

# فشار تورم و افزایش هزینه‌های ارتباطی

هزینه‌های تماس و اینترنت همراه طی ماه‌های اخیر افزایش یافته و این تصمیم نه‌تنها بازتابی از تورم مزمن بلکه نتیجه محدودیت‌های ساختاری و نیاز سرمایه‌گذاری در اپراتورهاست



پیش‌بینی شده بود؛ امری که تا آن زمان مورد تایید و اقدام قرار نگرفته بود.

اپراتورها در ادامه خاطر‌نشان کردند که تأمین منابع مالی مورد نیاز برای حفظ و ارتقای شبکه و کیفیت دسترسی مشترکین، در شرایط اقتصادی حاکم بر کسب‌وکار آنها با مخاطرات اساسی مواجه شده و بازگشت توازن به این فضا مستلزم بازنگری در قیمت‌گذاری خدمات، به ویژه اینترنت به عنوان یکی از اصلی‌ترین جریان‌های درآمدی اپراتورهاست. آنها همچنین یادآور شدند که افزایش ۳۴ درصدی تعرفه ترافیک بین الملل و عدم امکان تعدیل تعرفه داخلی طی چندین سال، متناسب با رشد چندصد درصدی تورم نبوده و امکان سرمایه‌گذاری برای توسعه ظرفیت شبکه را محدود کرده است؛ عاملی که کاهش کیفیت خدمات و سرعت اینترنت را در پی داشته و از سوی سازمان تنظیم مقررات نیز رصد شده است. به این ترتیب، افزایش اخیر تعرفه‌ها نه‌تنها بازتابی از فشارهای اقتصادی و تورم مزمن است، بلکه نتیجه تعامل پیچیده میان سیاست‌های قیمت‌گذاری، نیازهای سرمایه‌گذاری اپراتورها و محدودیت‌های قانونی و ساختاری در حوزه ارتباطات کشور محسوب می‌شود؛ فرایندی که درک آن، فراتر از نارضایتی اولیه کاربران، به تبیین واقعیت‌های بنیادین اقتصاد دیجیتال ایران می‌انجامد.

## نارضایتی از کیفیت اینترنت

نارضایتی گسترده کاربران از کیفیت اینترنت، موضوعی است که در ماه‌های اخیر بارها توجه افکار عمومی و مسئولان را به خود جلب کرده است. حمید فتاحی، رئیس سازمان تنظیم مقررات ارتباطات که نهاد می‌رود، در واکنش به نامه مدیران اپراتورها یادآور شد که درخواست همیشگی آنها افزایش هزینه‌هاست؛ امری که در پی افزایش مستمر هزینه‌های ارزی و ریالی شکل گرفته است. با این حال، فتاحی تأکید کرد که اجرای چنین تصمیمی مستلزم رعایت دقیق روال قانونی و مصوبات کمیسیون تنظیم مقررات است و هرگونه اقدام خودسرانه، غیرقابل پذیرش و با برخورد قانونی مواجه خواهد شد.

او همچنین اشاره کرد که کیفیت پایین اینترنت، مانعی

هزینه‌های تماس تلفن همراه و پیامک از اواخر آذر ماه امسال ۳۰ درصد افزایش یافته و تعرفه بسته‌های اینترنت همراه نیز بر اساس مجوزهای صادر شده تا ۲۰ درصد گران‌تر شده؛ افزایشی که اگرچه واکنش طبیعی نارضایتی کاربران را به دنبال داشته، اما در پس آن واقعیتی ساختاری و طولانی‌مدت نهفته است که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. تورم افسارگسیخته کشور، که طی سال‌های اخیر اقتصاد ایران را به تمامی حوزه‌ها سرایت داده، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری این وضعیت داشته است. نمونه‌ای بارز از این تورم ناگزیر را می‌توان در بازار لبنیات مشاهده کرد؛ بازاری که حتی در یک ماه شاهد سه بار افزایش قیمت بوده و نشان می‌دهد چگونه فشارهای اقتصادی بر زندگی روزمره مردم سایه افکنده است. با این حال، برخی بخش‌های اقتصاد ایران به ویژه حوزه ارتباطات و هزینه‌های مربوط به آن، از معضل قیمت‌گذاری دستوری رنج برده‌اند؛ چالشی که مانع از تطبیق خدمات با نیازهای روز و شرایط واقعی بازار شده است.

طی یک دهه گذشته، هرچند تعرفه آب، برق و گاز بارها و بارها افزایش یافته، اما حوزه ارتباطات و اینترنت همراه از چنین امتیازی محروم بوده است. این محدودیت، اپراتورها را با فشارهای شدید مالی و کاهش کیفیت خدمات مواجه کرده، زیرا تجهیزات و زیرساخت‌های مورد نیاز آنها در شرایط ثابت تعرفه‌ای، توان بروزرسانی و ارتقاء نداشت. سرانجام، پس از سال‌ها پیگیری و تکرار خواسته‌ها، مدیران عامل اپراتورهای اصلی کشور—همراه‌اول، ایرانسل و رایتل—در اردیبهشت ماه سال جاری با انتشار نامه‌ای ویژه خطاب به سازمان تنظیم مقررات، خواستار اصلاح و افزایش تعرفه‌ها شدند. در این نامه، اپراتورها اعلام کردند که مطابق مصوبات قانونی و در واکنش به بی‌تفاوتی نهادهای مسئول، تصمیم دارند تعرفه اینترنت همراه را اصلاح و افزایش دهند. آنها پیش‌بینی کردند بسته‌های جدید اینترنتی تا ۷۵ درصد نسبت به قیمت‌های آن دوره گران‌تر خواهند شد. همچنین، تأکید کردند که موضوع افزایش تعرفه اینترنت همراه از دی ماه سال گذشته در جلسات کارشناسی متعدد بررسی شده و با دلایل توجیهی و استراتژی‌های مدیریت بازار، افزایش حداقل ۷۵ درصدی قیمت بسته‌های دیتا همراه با حذف بسته‌های غیر اوج و ارائه بسته‌های حجیم مورد نیاز کاربران،

## مقاومت یک دهه‌ای اپراتورها

از زمان ورود اینترنت همراه به ایران در سال ۱۳۹۳، تنها یک‌بار، در دی‌ماه ۱۴۰۲، شاهد افزایش قیمت بسته‌های اینترنتی بوده‌ایم؛ افزایشی که صرفاً شامل ترافیک بین الملل شد و ترافیک داخلی از آن مستثنی بود. با این حال، تجربه کاربران نشان می‌دهد که طی سال‌های گذشته، تغییرات متعددی در قیمت بسته‌های اینترنت اعمال شده است و مردم در بسیاری موارد با نارضایتی از پرداخت مبالغ بیشتر مواجه شده‌اند. این موضوع به ویژه در شرایطی نمود دارد که محدودیت‌های دسترسی و هزینه نصب و استفاده از فیلترشکن، بار اضافی بر سبد اینترنت کاربران تحمیل کرده است.

در همین حال، اپراتورها نیز با مشکلاتی جدی مواجه هستند. درآمد آنها عمدتاً ریالی است، در حالی که تجهیزات و زیرساخت‌های مورد نیازشان با ارز خارجی تأمین می‌شود. طی این سال‌ها، نرخ ارز از حدود سه هزار تومان در سال ۱۳۹۳ به نزدیک ۱۳۰ هزار تومان رسیده که افزایش خیره‌کننده‌ای بیش از سه هزار درصد را نشان می‌دهد. این رشد چشمگیر نرخ ارز، همراه با ثابت ماندن تعرفه‌های داخلی، فشار مضاعفی بر اپراتورها وارد کرده و توانایی آنها را در به‌روزرسانی شبکه و ارتقای کیفیت خدمات محدود کرده است. نهایتاً، وضعیت فعلی نشان می‌دهد که هم کاربران و هم اپراتورها در چرخه‌ای پیچیده از محدودیت‌های اقتصادی و ساختاری گرفتار شده‌اند، چرخه‌ای که راهگشایی آن نیازمند بازنگری جدی در سیاست‌های تعرفه‌ای و سرمایه‌گذاری است.

## شرایط دشوار برای ثبات تعرفه‌ها

فعالیت اپراتور سوم تلفن همراه، رایتل، از ابتدای تأسیس، محوریت خود را بر اینترنت و خدمات دیجیتال قرار داد و در تمام این مدت با چالش‌ها و موانع متعددی مواجه بوده است. این شرکت تازه‌وارد در بازار، توانست دوام بیاورد و اکنون جزویکی از نه‌هلدینگ اصلی شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی، معروف به شستا، به شمار می‌رود. هدف اصلی از مالکیت این هلدینگ، تقسیم سود میان بازنشستگان کشور بوده است، اما محدودیت‌ها و پیچیدگی‌های اقتصادی، عملکرد رایتل را در برابر چشم‌رسانه‌ها قرار داده است. ارائه تخفیف‌ها، امری مرسوم در فضای رقابتی، در این شرایط به نقد و تحلیل دقیق رسانه‌ها کشیده شد و برخی آن را زنگ خطری برای شستا قلمداد کردند.

برخی گزارش‌ها با استناد به صورت‌های مالی رایتل، ادعا کردند که این شرکت تخفیف‌های گسترده‌ای برای مشتریان خود ارائه داده است. ادعا شد که درآمد ارائه خدمات گروه در سال‌های اخیر رشد ۳۵.۹ درصدی داشته، اما تخفیفات ارائه شده جهشی ۱۸۷.۷ درصدی را تجربه کرده و این امر صرفاً به رایتل نسبت داده شده است. با این حال، حتی در همان گزارش‌ها نیز تأکید شد که چنین داده‌هایی می‌تواند قابل توجیه باشد، به شرط آنکه منجر به رشد چشمگیر درآمد می‌شد. نگاهی دقیق‌تر به سال مالی ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که کل درآمد ارائه خدمات رایتل ۳۸.۱ درصد افزایش یافته، در حالی که تخفیفات ۴۶.۷ درصد کاهش یافته بود؛ امری که حکایت از مدیریت بهینه هزینه‌ها و توانایی شرکت در رشد درآمدی دارد. در سال مالی ۱۴۰۴، با وجود افزایش ۱۸۷.۷ درصدی تخفیف‌ها، رشد درآمد ارائه خدمات تنها ۳۳.۶ درصد بود که تغییر اندکی نسبت به رشد ۳۳.۳ درصدی سال قبل نشان می‌دهد.

## شفاف‌سازی مالی رایتل

پس از انتشار این گزارش‌ها، روابط عمومی رایتل با صدور جوابیه‌ای رسمی توضیح داد که بررسی صورت‌های مالی ۱۴۰۳ و ۱۴۰۲ نشان می‌دهد اقدام تخفیف در سال مالی ۱۴۰۳ به صورت جداگانه و شفاف افشا شده‌اند، در حالی که در سال ۱۴۰۲، مطابق چارچوب وقت، این مبالغ از رقم فروش کسر و به صورت جمعیعی در صورت‌های مالی تلفیقی شستا منعکس شده بود. این تفاوت باعث ایجاد تصور نادرست از رشد غیرمتعارف تخفیف‌ها شده بود.

روابط عمومی رایتل همچنین تأکید کرد که مجموع تخفیف‌های شرکت در سال مالی ۱۴۰۳ نسبت به سال مالی ۱۴۰۲ تنها حدود ۱۰ درصد رشد داشته، در حالی که درآمد عملیاتی شرکت ۳۶ درصد افزایش یافته است. این واقعیت نشان می‌دهد که رشد محدود تخفیف‌ها نه‌تنها غیرمتعارف نبوده، بلکه در چارچوب سیاست‌های فروش و توسعه بازار، کاملاً معقول و قابل توجیه است.



ناصر ذاکری

تحلیلگر اقتصادی

## ضرورت حفظ ارزش پس‌اندازهای مردم

اقتصاد ایران در چند دهه اخیر با پدیده‌ای مزمن و طاقت‌فرسا به نام تورم دورقمی دست‌به‌گریبان بوده است. این وضعیت، که به‌طور پیوسته بر روند توسعه اقتصادی سایه انداخته، سردرگمی و بی‌اعتمادی را در میان فعالان اقتصادی دامن زده و بر فضای تصمیم‌گیری در کشور تأثیرات منفی برجای گذاشته است. در چنین شرایطی، رشد اقتصادی تنها در صورتی محقق خواهد شد که فعالان اقتصادی بتوانند با اطمینان به ثبات نسبی و پویایی عرصه اقتصادی وارد شوند. اما وقتی تورم و بی‌ثباتی در اقتصاد حاکم است، فضای سرمایه‌گذاری بی‌تردید مختل می‌شود و سرمایه‌گذاران تنها در موارد خاص و به دلیل وجود رانت‌های غیرمترافع به انجام فعالیت‌های اقتصادی ترغیب می‌شوند. در این راستا، یکی از مسائل اساسی که در طول سال‌های گذشته به طور جدی از سوی سیاست‌گذاران اقتصادی نادیده گرفته شده، اهمیت حفظ ارزش پس‌اندازهای مردم و سرمایه‌گذاران است. در هر اقتصاد، وجود ابزارها و بسترهایی که به افراد این اطمینان را بدهد که دارایی‌هایشان در گذر زمان از کاهش ارزش در امان خواهد ماند، ضروری است. این امر می‌تواند از طریق بازار سرمایه فعال یا مسیرهای اقتصادی دیگر تحقق یابد. در شرایط تورمی، پول کارکرد طبیعی خود را از دست می‌دهد و تبدیل آن به دارایی‌های دیگر به یک ضرورت تبدیل می‌شود. در این فضا، پول دیگر به کالایی بی‌ارزش تبدیل می‌شود و همه تلاش می‌کنند تا از کاهش ارزش آن جلوگیری کنند، با این امید که ضرر کمتری متوجه آن‌ها نشود. متأسفانه، در این فضای پرآشوب، سیاست‌گذاران اقتصادی الگویی مشخص و کارآمد ارائه ن داده‌اند. در نتیجه، نقدینگی انباشته‌شده در اقتصاد به‌صورت بی‌رویه و بدون هدایت مناسب، وارد بخش‌های مختلف اقتصاد شده است. مسئولان اقتصادی وظیفه‌داشتند این نقدینگی را به‌گونه‌ای هدایت کنند که به نفع اقتصاد ملی باشد، اما در عمل این نقدینگی به بازارهایی نظیر مسکن سرازیر شد و موجب افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها در این بخش شد. هم‌زمان، بخش زیادی از این نقدینگی به سمت بازار طلا و ارز خانگی سوق یافته است. مردم بارها به دلیل رفتارهای خود در بازار ارز و طلا مورد انتقاد قرار گرفته‌اند، در حالی که علت اصلی این رفتارها به ضعف برنامه‌ریزی اقتصادی بازمی‌گردد. هنگامی که نقدینگی مازاد وجود دارد و مسیر مناسبی برای آن طراحی نشده است، مردم به سمت گزینه‌هایی می‌روند که کمترین ضرر را داشته باشد. مقایسه بین سپرده‌گذاری بانکی و خرید ارز خانگی نشان می‌دهد که گزینه دوم، در شرایط تورمی، جذاب‌تر است. سیاست‌هایی مانند کاهش سود بانکی مردم را به سمت این بازارها سوق داده است. با توجه به مشکلات مالی دولت و نگرانی‌های فزاینده مردم، سیاست‌گذاران باید اقدامات عملی برای حل مشکلات معیشتی و مهار تورم اتخاذ کنند. اصلاح ساختار بودجه نخستین گام است. زمانی که دولت به چاپ پول متکی است و منابع را به نهادهایی با بازدهی پایین می‌دهد، تورم ادامه می‌یابد. فشارهای مجلس مانع اصلاحات اساسی می‌شود و مسئولیت اصلی در قبال این وضعیت بر عهده دولت است.